

پیشینه ساخت پیکره‌های خمیری و کاغذی در حوزه فرهنگ ایران بر اساس منابع مکتوب*

زهره شیخ‌الحکمایی**، مجید سرسنگی^۲

^۱ کارشناس ارشد نمایش عروسکی، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
^۲ دانشیار دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 (تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۲/۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۱۱/۱۷)



چکیده

کم‌توجهی به منابع مکتوب کهن در خصوص پیشینه کاغذ و خمیرکاغذ در ساخت پیکره‌ها در حوزه فرهنگ ایران، باعث بروز برخی اشتباهات در این زمینه شده است؛ و در بیشتر منابع مرتبط، در مورد پیشینه این موضوع، آگاهی درستی ارائه نشده است. اما شواهد موجود در میراث مکتوب نشان می‌دهد که این شیوه از ساخت اشیاء از سده‌های اولیه هجری قمری، در پهنه سرزمین‌های شرقی و نیز ایران زمین برای ساخت پیکره‌ها و اشیاء وجود داشته و در مراسم گوناگون مورداستفاده قرار می‌گرفته است. نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند تا با بررسی متون کهن، شواهدی در این زمینه بیابند. بخشی از نمونه‌های موردنظر را می‌توان در وقایع نگاری‌هایی یافت که به قلم مورخان ایرانی درباره آداب و سنن ایران و یا کشورهای شرقی و هم‌جوار ایران به رشته تحریر درآمده است. برخی دیگر شامل سفرنامه‌هایی است که توسط مورخان خارجی نگاشته شده و به شرح و احوال زندگی ایرانیان اشاره دارد و در منابع مکتوب ما ثبت شده و عملاً جزئی از حافظه مکتوب ما شمرده می‌شود. این شواهد نشان‌دهنده آشنایی ایرانیان، با این نوع کاربری از کاغذ و خمیر آن است. این پژوهش بر اساس روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا به پیشینه دراز استفاده از خمیرکاغذ در حوزه فرهنگ ایرانی بپردازد و پاسخگوی برخی از شبهات باشد.

واژه‌های کلیدی

کاغذ، مقوا، خمیرکاغذ، پاییه ماشه، پیکره کاغذی.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول، با عنوان: «نقش سیماچه‌ها و پیکره‌ها در نمایش عروسکی ایران (از صفویه تا پایان قاجار)» است که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره خانم پوپک عظیم پور، در زمستان ۱۳۹۲ در پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران دفاع شده است.
 ** نویسنده مسئول: تلفن ۰۲۱-۶۶۴۱۸۵۱۶، نمابر: ۰۲۱-۲۲۰۹۰۳۴۸، E-mail: Zahra.hokamei@yahoo.com

مقدمه

۱۳۲۷، ۱۰۶). ایرج افشار با استناد به شعر منوچهری دامغانی، به وجود کارگاه کاغذسازی در سمرقند اشاره دارد و رواج صنعت آن را برای نخستین بار، به دست اسیران چینی ساکن سمرقند می‌داند (افشار، ۱۳۹۰، ۸۰). مسلمانان صنعت کاغذسازی را به دیگر شهرها از جمله بغداد، دمشق، مصر، اسپانیا و... رساندند. از قرن سیزده میلادی به بعد کارخانه‌های ساخت کاغذ در اروپا، از جمله ایتالیا، فرانسه، آلمان و انگلستان دایر شد (مصاحب، ۱۳۷۴، ذیل کاغذ). در این مقاله، نخست به بررسی آثار مکتوب ایرانی - اسلامی اشاره شده و سپس به بررسی کاربردهای مختلف کاغذ و خمیرکاغذ پرداخته شده است و در ادامه با بررسی و کنار هم قرار دادن نمونه‌های به دست آمده از متون کهن، به میزان آشنایی پیشینیان با ساخت اجسامی مانند صورتک و پیکره (مجسمه و تندیس) دست می‌یابیم. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و بر پایه متون مکتوب کهن انجام گرفته است. در خصوص موضوع مورد نظر به غیر از اطلاعات کلی مربوط به تاریخ کاغذ در فرهنگ اسلامی که در پژوهش از آنها بهره گرفته شده است، پژوهشی مستقل که بر اساس منابع مکتوب کهن باشد و در باب استفاده از کاغذ، مقوا و خمیرکاغذ برای ساخت پیکرها صورت نگرفته است.

مصریان باستان از گونه‌ای نی، موسوم به پایروس، نوعی کاغذ ابتدایی را تولید کرده و بر آن می‌نوشتند. کشورهای همسایه آن، مانند یونان و بعدها روم این فن را آموخته و از آن بهره بردند؛ اما ساخت کاغذ به مفهوم امروزی آن و استفاده از الیاف گیاهی برای ساخت کاغذ را به کشور چین منسوب می‌دانند که به مرور زمان در بیشتر کشورهای دنیا مورد استفاده قرار گرفت. بعدها مشتقاتی که از کاغذ و خمیر آن به دست می‌آمد، جایگزین مناسبی در صنعت‌های گوناگون شد (سامی، ۱۳۵۱، ۱). چینی‌ها از دیرباز با استفاده از پوست درخت توت و از گرد ساقه خشک خیزران، نوعی کاغذ می‌ساختند؛ اما از حدود اوایل قرن دوم میلادی از ترکیب پوست درخت توت و الیاف کنف، کاغذهای جدیدی ساختند که دارای کیفیتی متفاوت بود. چینی‌ها فن تولید کاغذ را مانند ابریشم و بعضی فنون دیگر پنهان نگه می‌داشتند (سعیدی، ۱۳۸۸، ۴۷۸). فن ساخت کاغذ از چین به ژاپن و از آنجا به سمرقند راه یافت (مصاحب، ۱۳۷۴، ذیل کاغذ). با ظهور اسلام و گسترش آن در کشورهای مجاور، در سده دوم هجری میان مسلمانان و چینی‌ها جنگی در گرفت. مسلمانان شهر سمرقند را که مهم‌ترین شهر فرارود بود، در سال ۸۷ هجری (۷۰۴ م) به تصرف خود درآوردند (عواد،

پیشینه پژوهش

الیاف کتان و شاهدانه آشناسند، دیری نپایید که کارخانه‌های ساخت کاغذ در خراسان ایجاد شدند و در دیگر شهرها به تقلید از خراسان کارخانه‌هایی دایر گردید. کاغذهای خراسانی از نوع سمرقندی و دیگر انواع آن بهتر و ارزنده تر محسوب می‌شده‌اند (سعیدی، ۱۳۸۸، ۴۷۸). به مرور زمان، صنعت کاغذسازی در ایران پیشرفت کرد. میان کاغذهایی که در ایران در زمان ایلخانیان و در تبریز تولید می‌شد، با کاغذهای مرسوم در چین تفاوت‌هایی وجود داشته است. با توجه به مطالبی که رشیدالدین فضل‌الله همدانی در کتاب آثار و احیاء آورده است، معلوم می‌شود روش چینی‌ها در این امر برایش تازگی داشته است (افشار، ۱۳۹۰، ۸۲). مایل هروی معتقد است: با توجه به اینکه در عصر تیموری رابطه خوبی بین ایران و چین به وجود آمده بود، ساخت مقوای جدیدی رایج گردید. «در روزگار تیموریان که هنر وابسته به نسخه‌سازی و کتاب‌آرایی به اوج کمال خود رسید، به دستور بایسنقر میرزا هیئتی به سرپرستی غیاث‌الدین نقاش به چین رفتند و امور صحافی مجلدان چینی را فراگرفتند و اسلوب ساختن خمیرمایه مقوا را آموختند و مقواسازی را در شرق جهان اسلام رواج دادند. با این همه در همین دوره نیز عده‌ای از چسباندن پاره‌های کاغذ مقوامی ساختند» (۱۳۷۲، ۸۰۴). با ورود ایران به دنیای جدید فناوری و با ایجاد ارتباطات گسترده‌ای که میان ایران و کشورهای پیشرفته به وجود آمد (و با توجه به نتایجی که آنها بعد از انقلاب صنعتی در علوم به دست

بیشتر پژوهندگانی که به موضوع خمیرکاغذ پرداخته‌اند، بر این نکته اذعان داشته‌اند که تاریخچه روشنی از کاربرد خمیرکاغذ و استفاده از آن در دست نیست. برخی پیشینه استفاده از خمیرکاغذ را به دوران تیموری و در نتیجه رابطه با هنر چین قلمداد کرده‌اند (ن. ک. رستمی، ۱۳۸۱، ۱۲۵) (مایل هروی، ۱۳۷۲، ۸۰۴). برخی دیگر روند به وجود آمدن، یا استفاده از آن را به دوره صفویه و پس از آن نسبت می‌دهند که خود مصادف با تعاملاتی است که بین ایران و دیگر کشورها روی داده است (اسکندری، ۱۳۸۱، ۱۴۸) (شایسته، ۱۳۸۷، ۴۰) (یآوری، ۱۳۹۰، ۲۸). در کتاب‌هایی که به موضوع کاغذ و مشتقات آنها پرداخته شده است، به بررسی روند تولید کاغذ و ساخت برخی اجسام از کاغذ اشاراتی شده است (ن. ک. افشار، ۱۳۹۰)، اما در خصوص پیشینه خمیرکاغذ در ساخت احجامی از قبیل مجسمه، پیکره‌ها و شبه عروسک‌ها در حوزه فرهنگ ایران، تحقیقی اصولی و بر اساس مستندات تاریخی صورت نگرفته است. بر همین اساس و با توجه به نکات یادشده، هدف این پژوهش، ارائه دلایلی قطعی در باب وجود پیشینه دراز استفاده از کاغذ و خمیرکاغذ در ساخت پیکره‌ها، در حوزه فرهنگ ایرانی است.

مروری بر پیشینه کاغذ در ایران

در ایران از اواخر نیمه نخست قرن دوم هجری، ابتدا خراسانیان با ساخت کاغذ آشنا شدند (... بعد از اینکه مرویان با ساختن کاغذ از

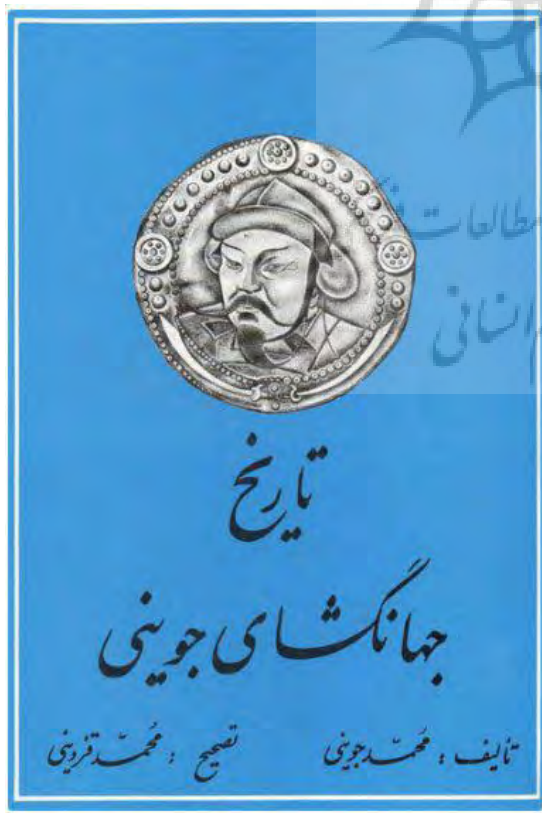
جهت قالب‌گیری که از ضایعات کاغذ (کاغذ باطله) و خمیر کاغذ با مخلوط سریش و افزودنی‌های دیگر ساخته می‌شود (Websters, 1971). همچنین در دانشنامه بریتانیکا^۵ در مدخل پایپه ماشه آمده است: کاغذهایی که با چسب مخلوط شده و با حالت خمیری دارد، به طوری که می‌توان از آن برای قالب‌گیری استفاده کرد و همچنین مبدأ آن شرق بوده و از آن در نقاشی لاکی استفاده می‌شده است. ساخت و تولید اجناس از جنس پایپه ماشه در اروپا اولین بار اوایل قرن ۱۸ از فرانسه آغاز گردید و بعدها در آلمان و انگلستان رواج پیدا کرد. با اینکه تولیدات پایپه ماشه در قرن ۱۹ م کاهش یافت، ولی امروزه از این هنر در ساخت اسباب بازی‌ها، صورتک‌ها و مانند آن استفاده می‌شود (Encyclopadia Britanica, 1991). در تمدن اسلامی- ایرانی از زمان پیدایش مقوا، کاربردهای فراوانی در انواع تولیدات پیدا کرد و نیز جایگزین مناسبی برای برخی از مواد (مانند چوب، چرم و...) شد. در ادامه به برخی از اشیاء اشاره می‌شود که در ساخت آنها از اشکال مختلف کاغذ استفاده گردیده است.

صحافی و تجلید^۶، ساخت جعبه یا محفظه کتاب^۷، ساخت دستک، ساخت قلمدان، ساخت قاب آئینه، استفاده از مقوا برای تکیه‌گاه پشت تابلوهای نقاشی روی کاغذ در قاب‌سازی، ساخت سرچسب^۸، ساخت جعبه‌های روغنی^۹، بوم‌سازی برای طراحی و نقاشی آبرنگ و رنگ روغن، ساخت قوطی انفیه‌دان، ساخت ورق آس، ساخت مرقع است (رستمی، ۱۳۸۱، ۱۲۸). برخی دیگر از اشیاء مانند: کاغذ باد^{۱۰}، گل کاغذی^{۱۱}، فانوس^{۱۲}، کاغذ

آوردند)، تغییر و دگرگونی در ساخت کاغذ ایجاد گردید. از جمله در دوران قاجار، شخصی به نام آقاجیم اصفهانی نخستین کسی بود که به دستور امیرکبیر برای فراگیری صنعت کاغذسازی به روسیه رفت. وی پس از بازگشت به ایران در اصفهان کاغذسازی را آغاز کرد. در اوایل دوره رضاخان، نخستین کارخانه کاغذسازی در کرج به دست کارشناسان آلمانی شروع به کارکرد (ن. ک. آدمیت، ۱۳۵۵، ۳۹۱).

کاربردهای کاغذ و خمیر آن

شواهد حاکی از آن است که به‌طور کلی ساخت مقوا در ایران به دو گونه بوده است: گونه اول که از به هم چسباندن ضایعات کاغذ، دست‌نوشته‌های دورریز، کهنه‌ها و بریده‌های پارچه و... به کمک چسب‌های گیاهی یا پروتئینی (مانند سریش و سریشم) ساخته می‌شده است. ایرج افشار در ذیل کاغذ مقوا چنین آورده: «کاغذهای باطله را بر روی هم می‌چسبانیده و از این راه مقوا می‌ساختند» (افشار، ۱۳۹۰، ۷۲). نوع دوم آن از خمیر کردن ضایعات کاغذ، پارچه‌های کهنه، تکه‌های چوب و... ساخته می‌شده است (نیکنام، ۱۳۷۱، ۳۵). امروزه به این کاربری از کاغذ، پایپه ماشه^۳ می‌گویند. فرهنگ لغت حییم در این باره چنین آورده است «یک جور مقوای سخت است که چسب و گل رس و چیزهای دیگر به خمیر آن می‌زنند» (حییم، ۱۳۸۱). «این لغت در زبان فرانسه به معنای کاغذ فشرده و یا جویده شده است» (خلیجی اسکویی، ۱۳۸۹). لغت‌نامه وبستر^۴ در تعریف پایپه ماشه آورده است: کاغذ جویده شده. ماده سبک و محکم



تصویر ۲- روی جلد کتاب تاریخ جهانگشای جوینی. ماخذ: (جوینی، ۱۳۸۵)



تصویر ۱- روی جلد کتاب آثار البلاد و اخبار العباد. ماخذ: (قزوینی، ۱۳۷۲)

چون کاغذها بدو دادندی، بسیار آن بودی که ضمن آن فحش و شتم او و آبا و اجداد او بودی و تقریر فساد نسب او تا بدان رسید که صورت عورتی از کاغذ بساختند و چادری درو پوشیده در زئی زنان، قصه [ای] در مهر در دست او نهاده بر ممر او نصب کردند، چون کاغذ از دست او به حاکم ظالم رسید شتم‌های زشت و فحش‌های قبیح و فضاخ و مخازی او و اسلاف او در آنجا مفضل نوشته در خشم شد و فرمود تا آن زن را بیارند چون بدو شتافتند تمثالی یافتند، از غصه آن عبید و اجناد را فرمود تا مصر بسوزند و اهالی آن را بکشند...» (جوینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۶۶ و ۱۶۷).

۳. در سده نهم هجری، غیاث‌الدین نقاش به دستور بایسنقر میرزا به همراه گروهی عازم کشور چین می‌شود. وی شرح دیده‌های خود را به نگارش درآورد (ن. ک.، حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۸۱۸ و ۸۱۹) و (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۳۲۷). غیاث‌الدین اشاره به چند مراسم شادی آور و چند مراسم عزا می‌کند که به شکل انواع موجودات (حیوان و انسان) از مقوا برای ساخت صورتک‌های رنگی استفاده شده و به‌گونه‌ای بوده که تمام صورت را در برمی‌گرفته و آن قدر طبیعی بوده که مطابقت با حیوان واقعی داشته است و همه از دیدن آن شگفت زده شدند. در جای دیگر نیز به تزئین آنها به وسیله موه‌های مصنوعی و یا وسایل دیگر برای طبیعی شدن شبه پیکره‌ها و صورتک‌ها اشاره داشته است. اگرچه به تصریح متن، موارد یادشده مربوط به کشور چین است، اما اشاره به این متن برای نشان دادن آشنا بودن مؤلف به مورد اشاره شده مهم است و همچنین این رویداد جزئی از منابع فارسی ما محسوب می‌شود. حافظ ابرو (۷۶۰/۸۳۰ ه. ق.) در کتاب زبدة التواریخ، با استناد به نوشته‌های غیاث‌الدین این‌گونه آورده^{۱۴}:

«... بعد از آن بازیگران را فرمودند تا بازی‌ها کردند به انواعی که شرح آن در تقریر نمی‌توان آورد. از آن جمله از کاغذ مقوی صورت‌های الوان ساخته‌اند، هر جانوری که در عالم نام بری، بر روی می‌بندند که هیچ رخنه از کنار روی و بن گوش پیدا نیست که گویا آن وصله‌ای از آن حیوان است و به میان آن صورت [در] می‌روند و بر اصول ختاییان رقص می‌کنند، چنانکه عقل در آن حیران و مدهوش می‌شود...» (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ۸۲۶).

«... دو خواجه سرا ایستاده و بردهان چیزی بسته از مقوای کاغذ تا بن گوش و باز تخت دیگر خردتر بر بالای آن می‌نشیند... و چند هزار صورت از مقوای کاغذ ساخته و رنگ چهره و جامه چنانکه از دور به آدمی می‌ماند...» (همان، ۸۵۳).

«... چوگان‌ها از کاغذ رنگین ساخته و نقاشی کرده و تختی از کاغذ مقوی مقدار ده گرد در ده گز و بر آن تخت صورت آدمیان از کاغذ و صورت اسبان و شتران به بزرگی اسب و شتر مجموع ملون و موی‌های دروغی و زین و لجام و غیره...» (همان، ۸۶۲).

۴. جشن عروسی رضا قلی میرزا فرزند نادرشاه افشار با فاطمه سلطان بیگم، در سده ۱۲ ق روی داد. در این جشن به غیر از هنرمندان و بازیگران ایرانی، هنرمندانی از کشورهای دیگر نیز به هنرنمایی پرداختند؛ و از مقوا و کاغذ در ساخت پیکره‌ها و دیگر وسایل جشن استفاده‌های شایان توجهی کردند. در کتاب

لق (لغ/لیق)^{۱۵}، کلاه کاغذی^{۱۶}، «اسباب بازی از جمله فریره و بط کاغذی و مرغ پرنده نیز در اغلب دوره‌ها مرسوم بود» (افشار، ۱۳۹۰، ۱۷۸). ایرج افشار با اشاره به کتاب گلزار کشمیر، به ذکر صنایعی می‌پردازد که گویا شناختی از آنها در دست نیست مانند: شیر جنگلی، قلمدانی، ده‌مشتی، هشت‌مشتی مهین حریر، رنگ‌آمیزی برای لفاف پیشمینه. (افشار، ۱۳۹۰، ۱۸۱ و ۱۸۲). همچنین اشاره می‌کند که در سده ۷ ق، شخصی به نام کریم‌الدین ابوبکر بن محمد سلماسی در مراغه کره زمین را از کاغذ ساخته بوده است هم چنان‌که اشیاء دیگر (همان، ۱۸۲). علاوه بر موارد یادشده، کاربردهای دیگری نیز می‌توان به فهرست بالا افزود که مهم‌ترین آن، استفاده از خمیر کاغذ برای ساخت صورتک و پیکره‌ها است که در گذشته کاربردهای مختلفی داشته و در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

شواهد منقول در میراث مکتوب ایرانی اسلامی

با توجه به کثرت منابع مکتوب اسلامی - ایرانی و همچنین محدودیت ساختار مقاله، در اینجا تنها منابع فارسی و یا ترجمه‌های موجود از متون مورد بررسی قرار می‌گیرد. موارد ذکر شده به ترتیب تاریخ رویداد مرتب شده‌اند و در نهایت به جمع‌بندی موارد یادشده می‌پردازیم.

۱. آثار البلاد و اخبار العباد اثر زکریای قزوینی (۶۰۵ تا ۶۸۲ ق) در سال ۶۷۴ ق به زبان عربی نوشته شد^{۱۵}. وی به حکایتی اشاره دارد که مسیلمه کذاب^{۱۶}، برای ادعای پیامبری خود ترتیب داده و شرح آن اینگونه آمده است. «و مسیلمه، صورتی از کاغذ ساخته بود و دو بال بر او قرار داده بود و دنباله‌ای برای او گذاشته ریسمان‌ها بر آن دنباله بسته و زنگ‌ها بر آن ریسمان‌ها آویخته بود. پس در آن شب در میان باد، او را سرداد. باد او را به هوا برد و مردم در آن شب، صدای زنگ می‌شنیدند. آن صورت را در هوا دیده، ریسمان‌ها را نمی‌دیدند. پس، چون این احوال را مردم مشاهده کردند به خانه‌ها رفته، درها را بستند. پس، صدایی شنیدند که می‌گفت: هر که داخل خانه خود شود، امن است. پس، صبح به خانه مسیلمه آمده، جمیعاً تصدیق نبوت او را نمودند (قزوینی، ۱۳۷۳، ۱۸۹). با توجه به این‌که تاریخ تألیف کتاب مربوط به ۷۰ ه. ق است و رویداد حدوداً مربوط به سال ۱۰ هجری است، به درستی نمی‌توان به صحت جزئیات آن حکم کرد. در عین حال به‌عنوان کهن‌ترین مورد، ذکر آن آورده شده.

۲. دومین مورد، اشاره به مجسمه‌ای کاغذی دارد؛ که به منظور رساندن عریضه به حاکم وقت در سده ۴ ه. ق در مصر ساخته شده است. ذکر این رویداد از جلد سوم تاریخ جهانگشای جوینی است که در خصوص به سلطنت رسیدن ابوعلی منصور^{۱۷} پسر عزیز، چنین حکایتی آمده است^{۱۸}.

«بعد از و پسرش حاکم ابوعلی منصور در یازده سالگی قائم مقام او شد، چندانک در پدرش حلم بود درو طیش و جنون بود و ظلم و حیف بر اهل مصر به‌غایت رسانید، یکی از عادات او آن بود که چون برنشستی مظلوم‌ها بدو برداشتندی و او استماع آن بجای آوردی و بر آنچ مضمون آن ظلمات بودی انکار نکردی

صورت عجیبی از کاغذ می‌سازند و او را راونه می‌نامند و برهمنی را بر تخت مرتفعی سوار کرده او را رام می‌نامند و دو عسکر از طرفین آراسته صورت منازعه و معارکه را به ظهور می‌آورند تا آن‌که راونه را مقهور ساخته جسد او را می‌سوزانند» (بهبهانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ۳۰۸ و ۳۰۹).

۶. در بخش هشتم کتاب ده سفرنامه، جیمز موریه (۱۸۴۹-۱۷۸۰ م) به توصیف ضیافتی می‌پردازد که توسط شاه وقت (فتحعلی شاه قاجار) در ۲۴ مارس سال ۱۸۰۹ صورت گرفته بوده است. این جشن به مناسبت عید نوروز و پیشکش‌هایی بود که برای شاه آورده بوده‌اند و در آن از پیکره‌های انسان و حیوان استفاده شده که به وسیله کاغذ ساخته شده بوده است:

«... چهار آدمک بزرگ کاغذی را که به هیئت اروپایی‌ها لباس به تن داشتند در اطراف محل آتش‌بازی قرار داده بودند در چند قدمی یک فیل کاغذی دیده می‌شد که تعدادی فشفشه در اطراف آن کار گذاشته بودند و روی تمام دیوارها فشفشه و وسایل آتش‌بازی به چشم می‌خورد...» (امیری، ۱۳۶۹، ۲۶۵).

۷. میرزا زین‌العابدین شیروانی، کتاب *بستان السیاحه* را در زمان حاکمیت فتحعلی شاه تألیف کرد. وی شرح دیده‌ها و شنیده‌های خود را از سفر ۳۷ ساله خویش (۱۲۱۰-۱۲۴۷ ه. ق.) به کشورهای گوناگون را، در آن آورده است. وی در وصف یکی از شهرهای آناتولی، به واقعه‌ای اشاره دارد که شبه پیکره‌ای از کاغذ ساختند و در مجلسی به عنوان توضیح علم طلسم از آن استفاده

عالم‌آرای نادری، شرح این واقعه این‌گونه آمده است.

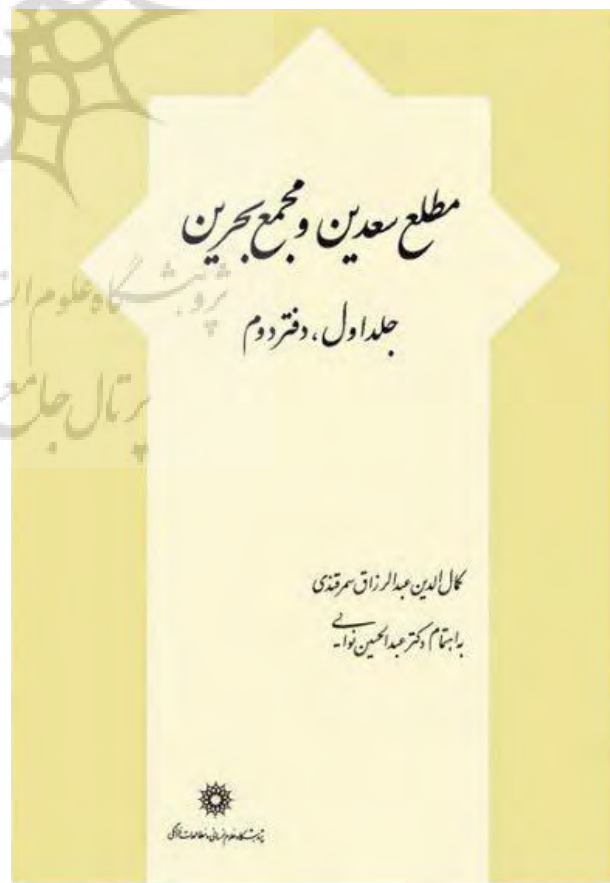
«آتش‌بازان فرنگ به طور و آداب فرنگ درخت نار و لیمو و ترنج ساخته به مجلس می‌آوردند... ده نفر آدم از مقوا ساخته، بمیان مجلس حاضر نمودند، که بدون تکلیف از دهن و دماغ آنها آتش درمی‌آمده... و دیگرده نفر وارد شده هریک عژاده‌ای از مقوا ساخته و توپی بزرگ از کاغذ یک‌لا در بالای آن عژاده تعبیه نموده بودند، که به نظراهل [مجلس] چون توپ بیست من گلوله به نظر درمی‌آمد؛ و آتش می‌دادند که صدای آن چون رعد در خروش آمده تزلزل در زمین و زمان [می‌] انداخت که از جمله عجایب بود؛ و دیگر خمپاره‌ای از کاغذ آوردند [که] گلوله چهل من در میان آن گذاشته بودند. چون آتش می‌دادند آن گلوله در کبودی فلک بلند [می‌شد] و در میان زمین و آسمان قرار گرفته، از آن ستاره‌ها می‌درخشید و الوان گل‌ها از آن ظاهر می‌گردید... و ایلیچی‌هایی که از مقوا طرح انداخته بودند، نردبان‌های شادمانی در زیر پا گذاشته...» (مروی، ۱۳۶۴، ج ۱، ۱۶۴).

۵. آقا احمد کرمانشاهی، در سال ۱۲۱۹ ق به کشور هند و برخی از شهرهای آن سفر کرد. او در کتاب *مرآت الاحوال جهان‌نما* (تألیف ۱۲۲۵ ه. ق.) به شرح رویدادی اشاره دارد که در آن از پیکرک‌های کاغذی استفاده کرده‌اند:

«... در صوبه اوده^۲ روزی است که در خارج شهر اوده برکنار دریای گهاگره^۱ در آن روز جماعت هنود قریب به لک آدم مجتمع شوند و



تصویر ۴- روی جلد کتاب *زبده التواریخ*.
ماخذ: (حافظ ابرو، ۱۳۸۰)



تصویر ۳- روی جلد کتاب *مطلع سعدین و مجمع بحرین*.
ماخذ: (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳)

ساختن هیكل فراغت حاصل می‌گشت، انواع آتش‌بازی تهیه دیده و با این تدارك منتظر رسیدن شب نهم ماه می‌شدند. متصدی ساختن هیكل، پسر بیچه‌های رسیده خانه بودند که با کمک نوکر این کارها را انجام می‌دادند» (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۳۲۵ و ۳۲۶).

تحلیل داده‌ها

نکات مذکور در ده متن یادشده را می‌توان به اشکال ذیل جمع‌بندی نمود. نخست از نگاه تاریخی حکایات نقل شده مربوط به دوره‌های زیر است:

- مورد اول مربوط به سده اول هجری است. اگرچه متن اصلی کتاب آثار البلاد و اخبار العباد در سده هفتم هجری نوشته شده و ترجمه فارسی آن مربوط به دوره قاجار است، اما به‌رحال مبتنی بر واقع‌های از سده اول هجری است و با استفاده از آن می‌توان دریافت که در آن زمان از کاغذ برای به وجود آوردن حجمی سبک‌وزن استفاده می‌شده است.

- نمونه دوم مربوط به سده چهارم هجری است که در آن به‌وضوح به ساخت مجسمه‌ای از جنس خمیرکاغذ اشاره شده. با توجه به آنکه این حکایت در چند متن دیگر نیز نقل شده است، می‌توان به صحت آن اطمینان حاصل کرد.

- نمونه سوم از سده نهم هجری است که در آن از صورت‌های حیوانی، انسانی، ساخت چوگان و تخت ساخته شده از کاغذ سخن آمده است.

- مورد چهارم مربوط به سده دوازدهم هجری است که از صورت‌های انسانی، عراده و توپ کاغذی و مقوایی مواردی آمده است. - شش مورد آخر مربوط به سده ۱۳ و ۱۴ هجری قمری است که در آنها نیز از انواع کاربردهای کاغذ، مقوا و خمیرکاغذ در ساخت پیکره‌ها و ... سخن رفته است.

از لحاظ جغرافیایی متون یادشده را می‌توان به حوزه‌های ذیل تقسیم کرد:

- شواهد مربوط به حوزه ایران (نمونه‌های ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۰).

- حوزه ایرانی - اسلامی (نمونه‌های ۱، ۲، ۷).

- حوزه هند و چین (نمونه‌های ۳ و ۵).

اگرچه در نگاه نخست، موارد مربوط به حوزه‌های خارج از مرزهای سیاسی ایران، غیر مرتبط با موضوع مقاله به نظر می‌رسد، اما اهمیت اساسی موضوع در توصیف و ذکر دقیق جزئیات در متون کهن فارسی است که می‌تواند نشان از انتقال این نوع از کاربری‌ها در حوزه فرهنگ ایران را داشته باشد. با توجه به شواهدی که ذکر آن آمد، در برخی از آنها به روش ساخت پیکره‌ها اشاره شد که برخی در هیئت انسان است، برخی دیگر حیوانات و برخی دیگر اشیاء است و در مواردی تنها به کاغذی و یا مقوایی بودن آنها اشاره شده است. به‌عنوان مثال، استفاده از خمیرکاغذ و مقوا برای ساخت احجام و صورت‌ها در متون ۲ و ۱۰ آمده است. استفاده از کاغذ مقوا و یا مقوای کاغذی نیز در متن ۳ آمده و استفاده از مقوا در متن ۴ ذکر شده است. در بقیه موارد تنها به کاغذی بودن احجام و یا

کردند و شرح آن چنین است: «... چون دده محمود این کلمات را استماع نمود صفحه کاغذ و مقراضی طلبیده و از آن کاغذ صورت آدمی بریده و نقش چند بر آن کاغذ کشیده و حروف مختلفه بر آن نوشته و شمشیری نیز از آن کاغذ بریده بدست آن صورت بداد آن‌گاه آن صورت را بر زمین نهاد همان دم آن شکل در حرکت آمد و رفتار کردن گرفت اهل مجلس ترسیده فرار نمودند مگر راقم و عامل آن صورت چوب بزرگی در خارج مندل گذاشته مقدار وجبی سر آن چوب را داخل مندل نموده آن صورت شمشیر بر آن چوب چنان نواخت که مانند خیار تر دو نیمه ساخت همگی در حیرت افتادیم و تعجب کردیم آخر الامر چیزی خوانده و بر آن دمیده آن صورت را بگرفت و بمالید و معدوم گردانید» (شیروانی، بی‌تا، ۷۳).

۸. در زمان حکومت ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۹۷ ق، هیئتی از سوی کشور ژاپن رهسپار ایران شدند. در این میان فردی با نام نوبویوشی فوروکاوا^{۲۲}، شرح سفر صد و ده روزه خود را در کتابی با نام سفرنامه فوروکاوا^{۲۳} تحریر کرده است. وی به مراسمی اشاره دارد که در آن از پیکره‌ای کاغذی به شکل اسب برای آتش‌بازی و متفرق کردن مردم استفاده شده و شرح آن این‌گونه آمده است:

«... مردم شهر به تماشا آمده و گرداگرد عمارت حکومتی را گرفته بودند. برای متفرق کردن آنها هم آتش‌بازی به کار بردند؛ به این طرز که مردی که اسبی ساخته شده از کاغذ را که میانش سوراخی داشت به کمر بسته و صورت سوارکار پیدا کرده بود، بر پشت این اسب کاغذی ترقه و اسباب آتش‌بازی گذاشت و آن را روشن کردند و دم اسب با آتش‌بازی گرداب مانند روشن شد و او تند میان مردم دوید و با ترقه و جرقه آتش آن را فراری داد» (فوروکاوا، ۱۳۸۴، ۲۸۲).
۹. میرزا حسین تحویل‌دار به توصیف لوطی‌هایی که در عهد ناصرالدین شاه در اصفهان بوده‌اند می‌پردازد و اشاره به این نکته دارد که خیمه شب‌بازان از مقوا، عروسک‌های خود را می‌ساختند: «قسم دیگر لوطی‌های خیمه‌شب‌باز که شب‌های عیش و عروسی‌ها، خیمه‌شب‌بازی برپا می‌کنند و صورتی از مقوا ساخته‌اند که از پشت پرده متصل می‌نمایند و می‌ربایند و اقسام رنگ‌ها و صداها و حرف‌ها و آوازه‌ها از زیر خیمه بروز می‌دهند...» (تحویل‌دار اصفهان، ۱۳۴۲، ۸۶).

۱۰. عبدالله مستوفی در کتاب شرح زندگانی من به مراسمی اشاره دارد که به عید خنده معروف بوده و بعد از ماه صفر انجام می‌گرفته (مستوفی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۳۲۰). وی ضمن شرح عید، به ساخت هیكلی اشاره دارد که برای همین امر ساخته می‌شده و از خمیرکاغذ و مقوا برای شکل دادن به آن بهره می‌بردند و در پایان مراسم آن را به آتش می‌کشیدند:

«در خانه‌ها برای شب نهم [ربیع‌الاول] مشغول تدارك می‌شدند و از چوب و کاغذ و کدو یا کوزه هیكلی ترتیب می‌دادند. با چوب استخوان بندی و از کاغذ لباس و از کدو و یا کوزه، کله برای هیكل ساخته با ترقه تمام جلو لباس آن را تزیین می‌کردند. از خمیر کاغذ و مقوا، دماغ و دهن و چشم و ابرو بر روی کدو نمودار کرده و با پنبه یا پشم سفید، ریش برای هیكل ترتیب می‌دادند و بر سر آن عمامه یا پارچه‌ای که در آن کاه چپانده بودند، می‌گذاشتند همین‌که از

استفاده واقع شده‌اند. برخی دیگر در مراسم عزای و یادگذاشتن افراد کاربرد داشته‌اند مانند اشاره‌ای که در بخش دوم نمونه سوم آورده شده است. علاوه بر موارد یادشده، کاربردهای دیگری نیز در این مجموعه دیده می‌شود؛ مانند ساخت چیزی اعجازگونه برای ادعای پیامبری (مورد ۱)، شعبده‌بازی (مورد ۷) و یا رساندن عریضه و شکایات به حاکم ظالم به صورت ناشناس (مورد ۲).

صورت‌ها اشاره شده (موارد ۱، ۵، ۶، ۷، ۸)؛ در دو نمونه نیز تنها به ساخت اشیاء اشاره شده است (موارد ۳ و ۴). از نظر کاربردی، موارد یادشده در متون را نیز می‌توان به چند بخش تقسیم کرد. برخی از این احجام در جشن‌های عروسی (موارد ۴ و ۹) جشن‌های دولتی (نمونه‌های ۳ و ۸) جشن و مراسم مذهبی (نمونه ۵) و عیدی موسوم به عید خنده (نمونه شماره ۱۰) مورد

نتیجه

همچنین شواهد و استنادهای تاریخی یادشده در متن مقاله، به صراحت نشان از استفاده آگاهانه از کاغذ، مقوا و خمیر کاغذ در ساخت ابزارهایی چون ساخت مجسمه‌های انسانی و حیوانی و حتی صورتک می‌دهد و پیشینه این کاربرد را حتی به قرون اولیه اسلامی می‌رساند. اگرچه در این میان برخی از شواهد به توصیف جشن‌ها و مراسمی خارج از حوزه ایران زمین اختصاص یافته است، اما این اشارات صریح خود نشان دهنده آشنایی مردم ایران با این نوع از کاربردهاست.

کم‌توجهی به متون کهن مکتوب و در دست نبودن اطلاعات جامع و کافی درباره پیشینه کاغذ و خمیر کاغذ باعث شده تا پرسش‌های حل نشده‌ای در این خصوص وجود داشته باشد؛ پژوهش حاضر نشان می‌دهد که صنعتگران و هنرمندان در حوزه ایران زمین از قدیم‌الایام با ساخت ابزار و وسایل مختلف به وسیله خمیر کاغذ آشنایی داشته و از این مواد برای ساخت ابزارهایی چون جلد و قلمدان به‌وفور بهره گرفته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

خاص را بر سرش می‌گذارند (ن. ک، افشار، ۱۳۹۰، ۷۷).
۱۵ نظر به اهمیت موضوع، متن عربی آن نیز آورده شده است. «... ثم اتخذ صوره من الكاغد لها جناحان و ذنب و شد فیها الجلاجل و الخیوط الطوال فأرسل تلك الصوره و حملتها الريح و الناس باللیل یرون الصوره و یسمعون صوت الجلاجل و لایرون الخیط . فلما رأوا ذلك دخلوا منازلهم خوفا من أن تختطف أبصارهم ، فصاح بهم صائح : من دخل منزله فهو آمن ! فأصبحوا مطبقین علی تصدیقه .» (قزوینی، ۱۹۹۸، ج ۴، ۱۲۷۳).
۱۶ مُسَلِّمَه یا مسیلمه کذاب، لقب ابن‌کثیر بن حبیب بن الحارث، ملقب به رحمن الیمامه، از قبیله بنی حنیفه شهر یمامه بود. وی در سال دهم هجری ادعای پیامبری کرد و متونی شبیه قرآن می‌سرود (دهخدا، ۱۳۷۷) و (ن. ک، طبری، ۱۳۷۵، ج ۴، ۱۲۷۳).
۱۷ ششمین خلیفه فاطمی بود که از سال ۳۸۶-۴۲۲ ق بر مصر حکومت می‌کرد.
۱۸ برای روایت‌های دیگر این حکایت (ن. ک: ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ۳۳ و ۳۴) و (مستوفی، ۱۳۶۴، ۵۱).
۱۹ برای نقل‌های دیگر این حکایت (ن. ک: خواند میر، ۱۳۸۰، ج ۴، ۶۴۲) و (عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۳، ۳۳۰-۳۴۰). به دلیل قدیمی‌تر بودن و همچنین شرح دقیق‌تر استناد، به کتاب زبده التواریخ استناد شده است.
۲۰ اوده: نام شهری بسیار قدیمی در شمال هندوستان کنار نهر «کوکره» از توابع رود گنگ و نزدیک شهر فیض‌آباد (دهخدا به نقل از قاموس الاعلام).
۲۱ گهاگره: رودی است در نزدیکی مرز نپال.
۲۲ نوبووشی فوروکاوا یکی از نخستین ژاپنی‌هایی است که در آغاز عصر جدید به ایران سفر کرد، نویسنده این سفرنامه، در سال ۱۸۸۰ م. همراه با هیئتی، برای گسترش روابط سیاسی و اقتصادی، از طرف دولت ژاپن عازم ایران شد (ن. ک. اینووه، ۱۳۸۱، ۲۷).

فهرست منابع

آدمیت، فریدون (۱۳۵۵)، *امیرکبیر و ایران*، خوارزمی، تهران.

۱ کاغذ را یکی از چهار اختراع بزرگ چینی‌ها می‌دانند (اختراع کاغذ، چاپ، قطب‌نما و باروت انتساب به چینی‌ها دارد) (ن. ک، کاسمینسکی، ۱۳۸۱، ۹۰-۹۲).
۲ منظور کاغذ به مفهوم امروزی آن است؛ زیرا در گذشته قبل از رواج چنین کاغذی، از کاغذ مصری (پردی) استفاده می‌شده.
3 Papier-Mâché.
4 Webster's Third New International Dictionary.
5 Encyclopadia Britanica.
۶ «صحافی و مجلدگری در تمدن و فرهنگ سنتی ما عبارت از حرفه و هنری است که صاحب آن پیشه، کتاب بی‌جلد را تجلید و کتاب معیوب را وصالی و مرمت و شیرازه دوزی و گاهی کاغذ کتاب را جدول‌کشی می‌کرد» (افشار، ۱۳۸۱، ۳۳۰). «در شیوه‌های مختلف و با روش‌های گوناگون از جمله چرم، پارچه، روغن کمان یا لاک، گالینگور، کاغذ و نیز استفاده از مقوای شمیم در جلد‌های سبک و آستربردقّه کتاب» (رستمی، ۱۳۸۱، ۱۲۸).
۷ «بیشتر برای نگهداری کتاب مورد استفاده قرار می‌گرفته است» (همان، ۱۳۸۱، ۱۲۸).
۸ برای محفوظ نگاه داشتن نامه‌های مهم و ارسال آن به مقصد (همان، ۱۳۸۱، ۱۲۸).
۹ برای نگهداری از جواهرات و نسخ خطی ارزشمند (همان، ۱۳۸۱، ۱۲۸).
۱۰ اصطلاحی است برای بادبادک که آن را از کاغذ می‌سازند و برخی عناوین «کاغذ هوایی» و «کاغذ اطفال» را به همان مفهوم به‌کار برده‌اند (افشار، ۱۳۹۰، ۴۸-۵۲).
۱۱ گل کاغذ و گل کاغذی. گل ساخته شده از کاغذ که برای آرایش جشن‌ها و در شادمانی‌ها به کار می‌رفت» (همان، ۱۳۹۰، ۷۷ و ۷۸).
۱۲ برای حفاظت از نور فانوس در مقابل باد، اطراف آن را با پارچه و یا کاغذ می‌پوشانیدند؛ و همچنین ساخت فانوس از کاغذ در کشمیر از صنایع مرسوم جلدسازان به حساب می‌آمد (همان، ۱۳۹۰، ۶۶ و ۶۷).
۱۳ کاغذی شفاف که از آن به جای شیشه، در پوشانیدن درهای شبکه‌ای و پنجره‌های اتاق‌ها استفاده می‌کردند (همان، ۱۳۹۰، ۶۹ و ۷۰).
۱۴ برای مسخره کردن شخصی و یا فردی که قرار است مجازات شود، کلاهی

- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، *تاریخ طبری*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، جلد ۴، چاپ پنجم، اساطیر، تهران.
- عبدالرزاق سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، جلد ۳، مصحح: عبدالحسین نوایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- عواد، کورکیس (۱۳۲۷)، *ساخت کاغذ در دوره تمدن اسلامی*، ترجمه عباس اقبال، یادگار، سال چهارم، شماره ۹ و ۱۰، صص ۹۵-۱۲۸.
- فوروکاوا، نوبویوشی (۱۳۸۴)، *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجبزاده و کینچی نئه‌ورا، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، امیرکبیر، تهران.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۹۹۸)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، دار صادر، بیروت.
- کاسمینسکی، یوگنی آلکسی یویچ (۱۳۸۱)، *تاریخ قرون وسطی*، ترجمه صادق انصاری و محمد باقر مومنی، اندیشه، تهران.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۷۲)، *کتاب آرایه در تمدن اسلامی*، چاپ اول، آستان قدس، مشهد.
- مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، *عالم آرایه نادری*، جلد ۱، مصحح: محمد امین ریاحی، زواره، تهران.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، *تاریخ گزیده*، مصحح: عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، امیرکبیر، تهران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، جلد ۱، چاپ پنجم، زوار، تهران.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۷۴)، *دایره المعارف فارسی*، جلد ۲، امیرکبیر، کتاب‌های جیبی، تهران.
- موسوی خامنه، زهرا (۱۳۸۶)، *مجسمه سازی (برگرفته از صنایع دستی)*، چاپ اول، سمت، تهران.
- نیکنام، مهرداد (۱۳۷۱)، *آفت‌ها و آسیب‌های مواد کتابخانه، دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور*، تهران.
- یاوری، حسین (۱۳۹۰)، *روغنی سازی هنری که باید بیشتر شناخته شود تا پروتوق بماند، رشد آموزش هنر*، شماره ۲۵، صص ۲۸-۳۳.
- Babcock, Philip (1971), *Webster's Third New International Dictionary of the English Language*, Encyclopaedia Britannica, Chicago, Inc.
- Encyclopaedia Britannica team (1991), *the New Encyclopaedia Britannica*. Vol 9. 15 th, The Encyclopaedia Britannica Company, London, LTD.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۱)، *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران*، جلد ۲۲، ترجمه ابوالقاسم حالت، علمی، تهران.
- اسکندری، مینا (۱۳۸۱)، *نقاشی روغنی (لاکی) پایبه ماشه*، کتاب ماه هنر، شماره ۵۳ و ۵۴، صص ۱۴۸-۱۵۱.
- افشار، ایرج (۱۳۸۱)، *صحافی و مجلدگری*، نامه بهارستان، شماره ۶، صص ۳۲۹-۳۹۶.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰)، *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران.
- امیری، مهرباب (۱۳۶۹)، *ده سفرنامه یا سیری در... انتشارات وحید*، تهران.
- اینووه، نئه‌ایچی (۱۳۸۱)، *مناسبات ایران و ژاپن در دوره قاجار*، ترجمه: هاشم رجبزاده، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۵۷-۵۶، صص ۳۵-۲۷.
- بهبهانی، آقا احمد بن محمد علی (۱۳۷۳)، *مرآت الاحوال جهان نما*، جلد ۱، انصاریان، قم.
- جونبی، عطا ملک بن محمد (۱۳۸۵)، *تاریخ جهانگشای جونبی*، مصحح: محمد قزوینی، جلد ۳، چاپ چهارم، دنیای کتاب، تهران.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۸۰)، *زیده‌التواریخ*، جلد ۴، تصحیح کمال حاج سید جوادی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- حبیب، سلیمان (۱۳۸۱)، *فرهنگ انگلیسی به فارسی*، نوین، تهران.
- خلیجی اسکویی، محسن (۱۳۸۹)، *دانشنامه دانش‌گستر*، جلد ۵، موسسه دانش‌گستر، تهران.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام الدین (۱۳۸۰)، *تاریخ حبیب السیر*، جلد ۴، چاپ چهارم، خیام، تهران.
- دهخدا، علی اکبر و همکاران (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران.
- رستمی، مصطفی (۱۳۸۱)، *روش‌های ساخت و کاربرد مقوا*، در هنرهای اسلامی ایران، گنجینه اسناد، شماره ۴۶ - ۴۵، صص ۱۳۵ - ۱۲۴.
- سامی، علی (۱۳۵۱)، *اختراع کاغذ، هنر و مردم*، شماره ۱۱۵، صص ۲۶ - ۱۹.
- سعیدی، محمدحسن (۱۳۸۸)، *کاغذ و کاغذگری در اسلام*، در *دائرة المعارف تشیع* (ج ۱۳)، احمد صدرحاجسیدجوادی (ویراستار)، نشر شهید محبی، تهران، ۴۷۸-۴۸۰.
- شایسته، علی نقی (۱۳۸۷)، *نقد فرمالیستی نقاشی‌های قاجار (سده‌های دوازدهم تا سیزدهم هجری قمری)*، نقش‌مایه، شماره ۱، صص ۵۰-۳۷.
- شیروانی، زین‌العابدین بن اسکندر (بی‌تا)، *بستان‌السیاحه*، چاپ اول، سنایی، تهران.